

بررسی موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی: دانشگاه بوعلی سینا همدان

* محمدرضا یوسف‌زاده

E-mail: fuman47@gmail.com

** مه‌ری میرزایی‌رافع

E-mail: mirzaei_m16@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۶

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان انجام گرفته است، پژوهش از لحاظ روش تحقیق - توصیفی و از نوع پیمایشی است، جامعه آماری پژوهش را تمامی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۱۱۸ نفر هستند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، از بین موانع، موانع فردی به میزان خیلی زیاد، و موانع اجتماعی، ارزش‌شناسی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، همگی به میزان زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند. به علاوه یافته‌های جانبی این پژوهش نشان داد بین دیدگاه اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بین دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی در زمینه موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی، تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، نظریه‌پردازی، همبستگی ملی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

* استادیار گروه تربیتی دانشگاه بوعلی سینا همدان، نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه بوعلی سینا همدان

مقدمه

در سال‌های اخیر بر نظریه‌پردازی در دانشگاه بسیار تأکید می‌شود و این نشانگر آن است که انتظار دانش‌آفرینی از دانشگاه افزایش یافته است. بی‌تردید، این انتظار بجاست و دانشگاه باید نقش ویژه خود را در بسط مرزهای دانش ایفا کند و استادان به طرح نظریه‌های نو در عرصه علمی روی آورند. این نقش تاکنون به‌خوبی و حتی به‌طور مناسب در دانشگاه‌های ما پاسخ داده نشده است. فضای غالب در دانشگاه ما، شرح و گاه بهره‌گرفتن عملی از نظریه‌هایی است که اندیشمندان دیگر آنها را پرداخته‌اند و ما نه‌تنها شاهد طرح نظریه‌های نو نبوده‌ایم بلکه حتی تجدید نظر و بسط نظریه‌های موجود را نیز شاهد نبوده‌ایم. این وضع نشانگر آن است که باید انتظار نظریه‌پردازی از دانشگاه را داشت، اما سخن در آن است که اگر این انتظار بخواهد از حد لفاظی فراتر رود و به عمل بیوندد، باید به موانع نظریه‌پردازی توجه شود (باقری، ۱۳۹۰: ۸).

چرایی و چگونگی ضعف نظریه‌پردازی و رشد علمی در ایران از موضوعاتی است که تقریباً از دهه ۷۰، موضوع مورد توجه پژوهشگران بوده است. اما به‌رغم گذشت دو دهه فعالیت و بحث علمی، هنوز تغییری در اوضاع علمی کشور صورت نگرفته است و در زمینه علوم انسانی همچنان در حال استفاده از نظریه‌های غربی هستیم، این در حالی است که نظریه بخش اساسی تولید علم به‌ویژه در حوزه علوم انسانی است و اصولاً هر علمی بدون نظریه بی‌معناست. علوم انسانی در یک تعریف جامع، مجموعه دانش‌هایی است که موضوع اصلی آن شناخت، تحلیل و بررسی مسائل، موضوعات و امور مربوط به انسان و زندگی انسانی است (هاشمی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲). علوم انسانی به جامعه، فرهنگ، زبان، روان و اندیشه انسان توجه دارد. علوم طبیعی نمی‌توانند نتایج دستاوردهایشان را به‌طور روشن در زندگی اجتماعی ببینند؛ اینجاست که پای علوم انسانی به میان می‌آید زیرا این علوم انسانی است که استفاده درست از آنها را روشن می‌کند (رشیدیان، ۱۳۸۷: ۶)؛ بنابراین آنچه علوم ارائه می‌دهند دانشی است که راهنمای مستقیم یا غیرمستقیم عمل انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی‌شان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، دستاورد هر حوزه علمی، رهنمودهایی است که در چهارچوب‌های مختلفی به نام نظریه بسته‌بندی می‌شود. از آنجا که دانش حاصل از پژوهش اجتماعی و انسانی، دانش نسبت به انسان و تعاملات اجتماعی اوست، با دانش تجربی محض متفاوت است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۳۳). بررسی تحلیلی وضعیت و جایگاه علوم انسانی و رشته‌های وابسته به آن بیانگر این واقعیت است که به‌رغم اهمیت و ارزش، این حوزه از معرفت‌های انسانی در

مقایسه با سایر حوزه‌های علمی موقعیت و جایگاه مناسبی ندارد و به‌ویژه در حوزه نظریه‌پردازی این وضعیت و جایگاه نامناسب‌تر است و به‌زعم برخی از صاحب نظران می‌توان گفت در این حوزه نظریه‌پردازی نداریم (زیباکلام، ۱۳۸۷). حوزه علوم انسانی علاوه بر مسائل و مشکلات خاص خود، از فقر تئوریک رنج می‌برد که این خود معلول موانع و محدودیت‌هایی است که بر سر راه علوم انسانی وجود دارد.

پرسش اصلی

مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی کدامند؟

پرسش‌های فرعی

۱. تا چه میزان موانع فردی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؟
۲. تا چه میزان موانع اجتماعی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؟
۳. تا چه میزان موانع ارزش‌شناسی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؟
۴. تا چه میزان موانع روش‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؟
۵. تا چه میزان موانع معرفت‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؟

چهارچوب نظری

می‌توان گفت به تعداد افرادی که در مورد نظریه سخن گفته‌اند، از واژه نظریه تعریف به عمل آمده است. نظریه از واژه یونانی *Theoria* گرفته شده که «نگه انداختن به» معنی می‌دهد (شومیکر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). دویبن^۱ نظریه را «مجموعه‌ای از روابط علی بین پدیده‌ها (متغیرها) می‌داند (دویبن، ۱۹۷۸). جويا و پیترا^۲ نظریه را «توصیف، تبیین و بازنمایی یک پدیده مشاهده‌شده یا تجربه‌شده می‌دانند (جويا و پیترا، ۱۹۹۰). نظریه یک ایده است؛ ایده‌ای انتزاعی با شکل، هدف، کیفیات و مشتقات خاص. اما یک ایده ذهنی و قابل انتقال که محصور در شکل ارائه و معرفی آن نیست، بلکه محصور با جوهره‌ای است که با شکل خود بیان می‌شود. نظریاتی که با زبان طبیعی (مثل انگلیسی) یا زبان مصنوعی (مثل نماد شناسی ریاضی) ارائه می‌شوند، سه شکل کلی شامل مجموعه قوانین، مجموعه تعاریف، اصول موضوعه، یا گزاره‌ها و یک مجموعه توصیفات فرایندهای علی به خود می‌گیرند (رینولدز، ۱۹۷۱: ۲۸). دانشمندان

1. Dubin

2. Gioia & Pitre

مختلف در حوزه‌های علمی گوناگون طبقه‌بندی‌های مختلفی از نظریه ارائه کرده‌اند. برای مثال کوهن از چهار نظریه با عنوان نظریه‌های تحلیلی، هنجاری، علمی و متافیزیکی نام می‌برد. این تقسیم‌بندی بر محوریت میزان تجربی بودن استوار است. از حیث دامنه گستره عمل در تقسیم‌بندی گروور و گلازیر^۱ نظریه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) نظریه جوهری (اصیل): به اعتقاد نیومن (۲۰۰۰: ۵۱) نظریه اصیل در جامعه‌شناسی، حوزه خاصی از دغدغه اجتماعی نظیر گروه‌های مجرم و روابط نژادی را تئوریزه می‌کند؛ (۲) نظریه رسمی: به گفته نیومن (۲۰۰۰: ۵۱) نظریه رسمی برای حوزه مفهومی کلان‌تری نظیر قدرت و جامعه‌پذیری تدوین می‌شود؛ (۳) نظریه کلان: به عنوان مجموعه‌ای از نظریه‌ها یا تعمیم‌پذیری‌هایی تعریف می‌شود که گستره‌ای فرارشته‌ای دارند و روابط میان پدیده‌ها را تبیین می‌کنند. برای مثال در رشته جامعه‌شناسی، برخی از نظریه‌های کلان را می‌توان به شرح زیر نام برد: کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، امیل دورکیم (۱۹۵۸-۱۹۱۶)، ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴)، هربرت اسپنسر (۱۹۸۲-۱۹۰۳)، تالکوت پارسونز (۱۹۷-۱۹۰۲)، ریتزر، به نقل از دانایی‌فرد، (۱۳۸۹: ۴۶).

گوتک (۱۹۸۵) نظریه‌های تعلیم و تربیت را با توجه به خاستگاه‌های آنها تحت سه مقوله نامبرده است: (۱) نظریه اشتقاقی؛ (۲) نظریه به مثابه واکنش، و (۳) نظریه برخاسته از عمل.

هم‌چنین می‌توان انواع نظریه‌ها را به سه دسته کلی نظریه‌های علوم انسانی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی تقسیم کرد (بوشامپ، ۱۹۸۱: ۱۱۳).

نظریه‌پردازی عبارت است از مواجهه با پدیده‌ها یا معضلات یا مسائل مبتلا به، و تلاش برای فهم و شناخت آنها به منظور حل یا رفع و انحلال آنها و یا در مواردی، به منظور بسط و یا تحکیم آن پدیده‌ها. فرایند نظریه‌سازی با موشکافی روابط میان پدیده‌ها آغاز می‌شود. نظریه‌پردازی به چهار رکن نیاز دارد که به مثابه چهار ستون برای یک بنای استوار عمل می‌کنند: (۱) واقعاً نو، تازه و بکر باشد؛ (۲) نظریه مطرح‌شده باید دارای مبانی فکری و نظری در بین علوم مرتبط با خود باشد؛ (۳) از انسجام و انتظام برخوردار باشد؛ (۴) تحول‌آفرین باشد (رفیع، ۱۳۸۸: ۶).

کوهن پس از مطالعه تاریخ پیشرفت‌های علمی، ویژگی‌های فردانیت، درک «خوب و بد»، متعصب نبودن و آشنا با پدیدار را برای افراد نظریه‌پرداز اعلام می‌کند (کوهن،

۱۹۶۲ به نقل از حسینی، ۱۳۸۷: ۱۸). هم‌چنین افرادی که به سمت نظریه‌پردازی می‌روند دارای ویژگی‌های ریسک‌پذیری، جامع‌نگری، جرئت‌ورزی، خودتنظیمی، عمقی‌نگری، خودانگیختگی، خودجوشی، خودآغازی، انعطاف‌پذیری و انتقادپذیری هستند (یوسف‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۲).

علوم انسانی به فرهنگ، هویت و شخصیت یک ملت مرتبط است و علوم انسانی اساس همه تحولات حتی پیشرفت‌های صنعتی، مهندسی و پزشکی است. هر جامعه‌ای در کنار نگاه کلی به انسان، دارای فرهنگ، آداب و رسوم و باورها و رفتارهای خاص خود است؛ بنابراین علوم انسانی هر ملت باید منطبق بر باورها و آداب و رسوم آن کشور شکل بگیرد و علوم انسانی ترجمه‌شده نه‌تنها مشکل‌گشا نیست بلکه مشکل‌زا نیز هست (رفیع، ۱۳۸۸: ۳). هر محیط جدید نیاز به تبیین‌های جدید دارد و هر تبیین جدید به نحوی برخاسته از نظریه‌ای جدید است. بدین‌سان، علوم انسانی که عمدتاً با متن متغیر و متکثر جامعه و فرهنگ نوع انسان سروکار دارد، نیاز مبرمی به تبیین‌های جدید و در نتیجه نظریات جدید برای شناخت این متن متکثر دارند. شاید از همین روست که نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ چراکه هر نظریه به واقع نوعی یازیدن به امر کلی از طریق تأمل بر امر جزئی است (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲).

نظریه‌پردازی یعنی تبیین موقعیت موضوع در ضمن شبکه معادله‌های وجودی تا با اطلاع از کمیّت و کیفیت اثرگذاری و اثرپذیری آن نسبت به بقیه اجزا، بتوان برآیندهای مورد نظر در شبکه را تولید کرد (واسطی، ۱۳۸۸: ۲۹۲). به هر عاملی که در تبیین موقعیت و پیش‌بینی برآیندهای آن خدشه وارد کند، مانع اطلاق می‌شود. در ادبیات نظریه‌پردازی، موانع مختلفی برای نظریه‌پردازی بیان شده است. برای مثال موانع ساختاری، کاربردی، انگیزشی، فرهنگی و سیاسی (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۷). موانع ذاتی و عرضی شامل موانع درون‌رشته‌ای؛ و موانع برون‌رشته‌ای (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸: ۵)، موانع فردی، موانع روش‌شناختی، موانع معرفت‌شناختی، موانع اجتماعی و موانع ارزش‌شناختی (باقری، ۱۳۸۹) نمونه‌هایی از موانع موجود بر سر راه علوم انسانی به شمار می‌روند. در این پژوهش در بررسی موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی، طبقه‌بندی آخر مبنای پژوهش قرار گرفته است.

موانع فردی نظریه‌پردازی: حالات و احساس‌هایی است که افراد را از نوفهمی و نظریه‌پردازی باز می‌دارد (رشاد، ۱۳۸۳: ۶). موانع فردی در این پژوهش به عدم جسارت نظریه‌پرداز، فقدان شجاعت کافی نظریه‌پرداز، نبود اعتماد به نفس، نبود خودباوری

علمی، نداشتن تواضع در برابر برتری نظریه‌های رقیب، وفاداری به نظریه‌ای خاص، اهتمام به فعالیت‌های شخصی در مطالعات علوم انسانی و تعصب و جزم‌اندیشی اطلاق می‌شود. خلق معرفت علمی و سرنوشت این معرفت در جامعه علمی همیشه تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی قرار داشته است؛ هم‌چنین مسائلی مانند تبعیض‌ها و تعصبات و احترام و ارج نهادن به دانشمندان در جامعه همه و همه مسائلی است که می‌تواند در امر نظریه‌پردازی مؤثر واقع شود.

موانع اجتماعی نظریه‌پردازی: موانع اجتماعی در این پژوهش به عدم استقبال از بحث‌های علمی، کافی نبودن احترام به دانشمند در جامعه، فقدان سیاست‌های تشویقی، سنت پرستی در علم، کم‌رنگ بودن نقد و نقادی، مکفی دانستن دانش موجود و عدم اهتمام به فعالیت‌های گروهی اطلاق می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲: ۹۲).

موانع ارزش‌شناسی نظریه‌پردازی: ارزش‌ها و پیش‌زمینه‌های ذهنی است که ملکه ذهن شده و افراد را از نو فهمی و نظریه‌پردازی بازمی‌دارد (رشاد، ۱۳۸۳: ۷). موانع ارزش‌شناسی در این پژوهش شامل آرمان‌گرایی نظریه‌پرداز، اسطوره‌پنداری نوابغ، تأکید بر برطرف کردن موانع به جای پرش از موانع و ذهنی بودن و دشواری حصول توافق در مباحث علوم انسانی می‌شود.

روش‌شناسی وسیله شناخت هر علم است. روش‌شناسی در مفهوم مطلق خود به روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آنها استفاده می‌شود. روش‌شناسی هر علم نیز روش‌های مناسب و پذیرفته آن علم برای شناخت هنجارها و قواعد آن است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). موانع روش‌شناختی در این پژوهش شامل کمی‌نگری افراطی، کیفی‌نگری افراطی، مسأله‌گریزی، مسأله‌نگری افراطی، قطعیت‌گرایی در مسائل علوم انسانی، بی‌توجهی به انعطاف‌پذیری روش‌های پژوهش در علوم انسانی و نتیجه‌گرایی در فعالیت‌های علوم انسانی می‌شود.

موانع معرفت‌شناختی نظریه‌پردازی: به هرگونه نادرست‌اندیشی درباره ماهیت، منطق و منابع مربوط به یک حوزه علمی اطلاق می‌شود (هالینگ دیل، ۱۳۸۷: ۵۳). موانع معرفت‌شناختی در این پژوهش به دایره‌المعارف‌گرایی در علوم انسانی، استاندارد‌گرایی در علوم انسانی، ماهیت مسائل علوم انسانی، بومی و زمینه‌ای بودن مسائل علوم انسانی و مقایسه علوم انسانی با علوم پایه اشاره دارد.

مبانی تجربی

در زمینه موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تحقیقات اندکی انجام شده است. دانایی فرد (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان داد مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی موانع روش‌شناسی است. رحیمی عباسی (۱۳۸۷) در پژوهشی دریافت که نبود اجتماع علمی قوی، نبود رابطه پویا بین جامعه و جامعه‌شناسی، وابستگی علمی جامعه‌شناسی به خارج، از موانع مهم نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی ایران هستند. پاک‌سرشت (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران دریافت که بوروکراتیک بودن نظام تربیتی ایران، فقدان ارتباط بین نظر و عمل در نظام تربیتی، وجود شکاف بین عرضه و تقاضا در نظام تربیتی ایران، نظرخواهی نکردن از صاحبان اندیشه، نبود گردهمایی‌های سالانه به منظور رفع مشکلات نظام آموزشی ایران، مهم‌ترین چالش‌ها و موانع نظریه‌پردازی در نظام آموزشی ایران هستند. قاضی‌پور (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع هنجاری و سازمانی مؤثر بر میزان تولید علمی اعضای هیئت علمی جامعه دانشگاهی و پژوهشی» نشان داده که میزان ارتباطات اعضای هر دو جامعه دانشگاهی و پژوهشی بر میزان تولید علمی آنها بیشترین تأثیر را داشته است. بهروان (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع مؤثر بر انگیزه و توان تحقیق اعضای هیئت علمی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد» دریافت که علت رغبت بیشتر اعضای غیر علوم انسانی به سمت اجرای طرح پژوهشی و گرایش اعضای علوم انسانی به سمت تدریس و تألیف، ناشی از نقش و پایگاه‌های علمی آنان و نیز کارکرد ساختار علمی خاصی است که درون آن گرفتار شده‌اند. محمدی (۱۳۸۴) در پژوهشی با نام «بررسی اثر موانع سازمانی و فردی بر فعالیت‌های علمی در ایران» نشان داد که از بین موانع سازمانی و فردی، نوع و میزان ارتباطات علمی اعضای هیئت علمی، اثر بیشتری بر فعالیت علمی آنها داشته است. موسوی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «الگوهای معرفتی - اجتماعی توسعه موانع توسعه علوم اجتماعی جدید» دریافت که گرایش‌های ایدئولوژیک علوم اجتماعی، نبود اتفاق نظر در مورد مبانی روش‌شناختی و ابزارگرایی از مهم‌ترین موانع توسعه علوم اجتماعی قلمداد می‌شوند. ابراهیمی (۱۳۷۱) در پژوهشی با عنوان «اجتماع علمی و رابطه آن با توسعه علمی» نشان داد که وابستگی اجتماع علمی به جامعه کلی و حمایت آن، موانع توسعه علمی شده است.

شدیش^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی شخصیت و ویژگی‌های روان‌شناختی دانشمندان زن و مرد و تأثیر آن بر فرایند کار علمی و پژوهش» نشان داد که زنان دانشمند در مقایسه با زنان عادی، سلطه‌جوتر هستند و از اعتماد به نفس بالاتر و هوش بیشتری برخوردارند. افزون بر این، دانشمندان زن تندروتر^۲ و ماجراجوترند و به طور کلی ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان دانشمند، مشابهت‌های چشمگیری دارد. فیست^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «صفات شخصیتی برجسته در میان دانشمندان در مقایسه با غیردانشمندان» نشان داد دانشمندان از لحاظ اجتماعی: غالب، خودبین، خصمانه، متکی بر خود، مستقل و درون‌گرا؛ از لحاظ شناختی: باز، انعطاف‌پذیر؛ از لحاظ انگیزشی: پُر انگیزه، جاه‌طلب؛ و از لحاظ احساسی: دارای حس زیبایی‌شناسانه، کنجکاو و دارای تخیل قوی هستند. سیدفرید العطاس (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «گفتمان‌های جایگزین در جنوب شرقی آسیا» ضمن تأکید بر ضرورت گفتمان و نظریه‌پردازی متفاوت در علوم اجتماعی کشورها، وابستگی دانشگاهی و محیط فرهنگی گفتمان روشنفکران را مهم‌ترین مانع نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی می‌داند. پرایس^۴ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی استراتژی‌های نظریه‌سازی در دانشگاه کلمبیا توسط اعضای هیئت علمی» ضمن تبیین اهمیت و جایگاه استراتژی در نظریه‌پردازی و تصریح کمبود نظریه‌های نوین، ده استراتژی برای نظریه‌سازی از دیدگاه اعضای هیئت علمی را شامل استراتژی‌های شاکله‌دهی، نظریه عام به مثابه همسانی، نظریه درجه متوسط، تأکید دوگانه بر نظریه و پژوهش، تحلیل کاربردی، تحلیل مورد انحرافی، محل پژوهش استراتژیک، حوزه احتمالات منطقی، استمرار و واگیرشناسی معرفی کرده است. سیمونتون^۵ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «موانع مؤثر بر خروجی علم از راه تحلیل داده‌های تاریخی و آرشیوی، نشان داده که موانعی همچون اساتید و الگوها، جنگ و خیزش‌های سیاسی یا ثبات سیاسی، می‌توانند خروجی علم را تحت تأثیر قرار دهند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق پیمایشی یا زمینه‌یابی است. جامعه آماری در این تحقیق عبارتند از کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ که تعداد کل آنها

1. Shadish
2. Radical

3. Fiast G.J
4. James L.Price

5. Simonton D.K

۱۱۸ نفر بوده و از این تعداد ۱۰۲ نفر مرد و ۱۶ نفر زن هستند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی است. با استفاده از این روش و جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان، ۹۴ نفر به تفکیک ۸۱ نفر مرد و ۱۳ نفر زن به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارت است از پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی. این پرسشنامه دارای ۳۵ گویه است و براساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت تنظیم شده و موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی را در پنج بُعد موانع فردی، اجتماعی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌سنجد. برای سنجش روایی ابزار از روش روایی محتوا استفاده شده است. برای این کار پرسشنامه در اختیار تعدادی از متخصصان حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفت و روایی آن توسط متخصصان در حد قابل قبول گزارش شد. برای سنجش پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده و میزان آن ۸۷۴ درصد محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین، درصد، جدول و آزمون‌های آماری t تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از نظر اعضای هیئت علمی کدامند، ابتدا دیدگاه اعضای هیئت علمی در مورد موانع نظریه‌پردازی جمع‌آوری شد. اطلاعات جمع‌آوری شده نشان داد از دیدگاه اعضای هیئت علمی موانعی چون عدم شجاعت نظریه‌پرداز، قطعیت‌گرایی، عدم اهتمام به فعالیت‌های گروهی، استاندارددگرایی، کمیت‌گرایی، عدم ریسک‌پذیری، بسنده کردن به دانش موجود، پرش از موانع به جای عبور از موانع، مقایسه علوم انسانی با علوم پایه، نتیجه‌گرایی، عینیت‌گرایی، اسطوره‌پنداری و روحیه تأییدی به جای روحیه انتقادپذیری، مسأله‌گریزی، سطحی‌نگری و ساده‌انگاری، اهتمام به مطالعات شخصی و غیره از موانع عمده نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی محسوب می‌شوند. سپس این موانع در پنج دسته شامل موانع فردی، اجتماعی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی طبقه‌بندی شدند و در نهایت میزان اهمیت این موانع از دیدگاه اعضای هیئت علمی مورد بررسی قرار گرفتند. مهم‌ترین داده‌ها و نتایج حاصل از تحلیل به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: توصیف موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی

موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
موانع فردی	۲	۲/۱	۱۱	۱۱/۷	۴۹	۵۲/۱	۳۲	۳۴
موانع اجتماعی	۵	۵/۳	۱۳	۱۳/۸	۴۹	۵۲/۱	۲۷	۲۸/۷
موانع ارزش‌شناسی	۱۱	۱۱/۷	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷/۲	۱۷	۱۸/۱
موانع روش‌شناختی	۱۰	۱۰/۶	۳۲	۳۴	۳۶	۳۸/۳	۱۶	۱۷
موانع معرفت‌شناختی	۸	۸/۵	۳۳	۳۵/۱	۴۱	۴۳/۶	۱۲	۱۲/۸

جدول شماره ۲: تحلیل میزان موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی با استفاده از آزمون t یک طرفه

میانگین نظری = ۲/۵					
شاخص	متغیر	میانگین	انحراف	مقدار	سطح معنی‌داری
		مشاهده‌شده	استاندارد	آماره t	sig
۳ ۲	موانع فردی	۳/۱۷	۰/۲۹	۲۲/۳۶	۰/۰۰۰
	موانع اجتماعی	۳/۰۳	۰/۳۰	۱۶/۹۸	۰/۰۰۰
	موانع ارزش‌شناسی	۲/۶۱	۰/۳۶	۳/۰۴	۰/۰۰۳
	موانع روش‌شناختی	۲/۶۲	۰/۳۳	۳/۵۳	۰/۰۰۱
	موانع معرفت‌شناختی	۲/۶	۰/۳۷	۲/۷۴	۰/۰۰۷

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ چون میانگین‌های مشاهده‌شده یعنی ۳/۱۷، ۳/۰۳، ۲/۶۱، ۲/۶۲ و ۲/۶ از میانگین نظری یعنی (۲/۵) بزرگ‌تر است و با توجه به این که t‌های محاسبه‌شده یعنی ۲۲/۳۶، ۱۶/۹۸، ۳/۰۴، ۳/۵۳ و ۲/۷۴ از t بحرانی یعنی ۱/۶۷ بزرگ‌تر است و ($p < ۰/۰۵$)؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میانگین نظری و میانگین مشاهده‌شده تفاوت وجود دارد و موانع فردی، موانع اجتماعی، موانع روش‌شناختی، موانع ارزش‌شناسی و موانع معرفت‌شناختی مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی به شمار می‌روند.

جدول شماره ۳: تحلیل موانع نظریه‌پردازی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

شاخص‌های آماری منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
بین‌گروهی	۲۸/۱۰۶	۴	۷/۰۲۷	۶۲/۰۰۱	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۵۲/۶۹۸	۴۶۵	۰/۱۱۳		
کل	۸۰/۸۰۴	۴۶۹			

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳ چون F محاسبه شده یعنی ۶۲/۰۰۱ از بحرانی با درجه آزادی (۴ و ۴۶۵) در سطح معنی‌داری ۰/۵ یعنی ۲/۳۹ بزرگ‌تر است؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت وجود دارد و موانع فردی بیشترین مانع و موانع معرفت‌شناختی کمترین مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی محسوب می‌شوند.

موانع فردی

جدول شماره ۴: توصیف موانع فردی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای

هیئت علمی

پوشش	خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
عدم جسارت نظریه‌پرداز	-	-	۲	۲/۱	۷۰	۷۴/۵	۲۲	۲۳/۴
فقدان شجاعت کافی نظریه‌پرداز	-	-	-	-	۴۵	۴۷/۹	۴۹	۵۲/۱
عدم اعتماد به نفس	-	-	۶	۶/۴	۵۷	۶۰/۶	۳۱	۳۳
نبود خودباوری علمی	-	-	۲	۲/۱	۴۸	۵۱/۱	۴۴	۴۶/۸
عدم تواضع در برابر برتری نظریه‌های رقیب	۵	۵/۳	۲۴	۲۵/۵	۴۶	۴۸/۹	۱۹	۲۰/۲
وفاداری از نظریه‌ای خاص	۴	۳/۴	۱۵	۱۶	۵۱	۵۴/۳	۲۴	۲۵/۵
اهتمام به فعالیت‌های شخصی در مطالعات علوم انسانی	۸	۸/۵	۲۹	۳۰/۹	۴۰	۴۲/۶	۱۷	۱۸/۱
تعصب و جزم‌اندیشی	-	-	۹	۹/۶	۳۹	۴۱/۵	۴۶	۴۸/۹
میانگین	۲	۱/۲	۱۱	۱۱/۷	۴۹	۵۲/۱	۳۲	۳۴

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، از بین موانع فردی، شجاعت نظریه‌پرداز بیشترین مانع و اهتمام به فعالیت‌های شخصی در مطالعات علوم انسانی کمترین مانع به شمار می‌رود.

جدول شماره ۵: تحلیل موانع فردی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی
با استفاده از آزمون t یک‌طرفه

میانگین نظری = ۲/۵				
شاخص	میانگین	انحراف	مقدار	سطح
	مشاهده‌شده	استاندارد	آماره t	معنی‌داری sig
موانع فردی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	۳/۱۷	۰/۲۹	۲۲/۳۶	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۵ چون میانگین مشاهده‌شده یعنی ۳/۱۷ از میانگین نظری یعنی ۲/۵ بزرگ‌تر است؛ به‌علاوه چون t محاسبه‌شده (۲۲/۳۶) از t بحرانی ($p < ۰/۰۵$) یعنی (۱/۶۷) بزرگ‌تر است، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت موانع فردی تا اندازه‌ی زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

موانع اجتماعی

جدول شماره ۶: توصیف موانع اجتماعی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی
از دیدگاه اعضای هیئت علمی

پوشش	خیلی زیاد		کم		زیاد		خیلی کم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
عدم استقبال از بحث‌های علمی	-	-	۵	۵/۳	۶۲	۶۶	۲۷	۲۸/۷
کافی نبودن احترام به دانشمند در جامعه	۵	۵/۳	۹	۹/۶	۵۷	۶۰/۶	۲۳	۲۴/۵
فقدان سیاست‌های تشویقی	۲	۱/۲	۷	۷/۴	۵۶	۵۹/۶	۲۹	۳۰/۹
کم‌رنگ بودن تقاضامندی برای علم	۲	۱/۲	۱۰	۱۰/۶	۵۱	۵۴/۳	۳۱	۳۳
سنت پرستی در علم	۱	۱/۱	۱۱	۱۱/۷	۴۹	۵۲/۱	۳۳	۳۵/۱
کم‌رنگ بودن نقد و نقادی	-	-	۶	۶/۴	۵۸	۶۱/۷	۳۰	۳۱/۹
مکفی دانستن دانش موجود	۲	۱/۲	۵	۵/۳	۴۵	۴۷/۹	۴۲	۴۴/۷
عدم اهتمام به فعالیت‌های گروهی	۲۹	۳۰/۹	۵۲	۵۵/۳	۱۳	۱۳/۸	-	-
میانگین	۵	۵/۳	۱۳	۱۳/۸	۴۹	۵۲/۱	۲۷	۲۸/۷

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۶، از بین موانع اجتماعی عدم اهتمام به فعالیت‌های گروهی بیشترین مانع و مکفی دانستن دانش موجود، کمترین مانع به شمار می‌رود.

جدول شماره ۷: تحلیل موانع اجتماعی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی با استفاده از آزمون t یک‌طرفه

میانگین نظری = ۲/۵					
شاخص	متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری sig
	موانع اجتماعی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	۳/۰۴	۰/۳۰	۱۶/۹۸	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۷ چون میانگین مشاهده‌شده یعنی ۳/۰۴ از میانگین نظری یعنی ۲/۵ بزرگ‌تر است؛ به علاوه چون t محاسبه‌شده (۱۶/۹۸) از t بحرانی ($p < ۰/۰۵$) یعنی (۱/۶۷) بزرگ‌تر است، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت موانع اجتماعی تا اندازه زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

موانع ارزش‌شناسی

جدول شماره ۸: توصیف موانع ارزش‌شناسی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی

سؤال	خیلی زیاد		کم		زیاد		خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
آرمان‌گرایی نظریه‌پرداز	۸	۸/۵	۱۹	۲۰/۲	۴۱	۴۳/۶	۲۶	۲۷/۷
اسطوره‌پنداری نوابغ	-	-	۱۷	۱۸/۱	۴۹	۵۲/۱	۲۸	۲۹/۸
تأکید بر برطرف کردن موانع به جای پرش از موانع	۲۳	۲۴/۵	۵۳	۵۶/۴	۱۴	۱۴/۹	۴	۴/۳
دشواری حصول توافق در مباحث علوم انسانی	۱۴	۱۴/۹	۳۳	۳۵/۱	۳۸	۴۰/۴	۹	۹/۶
میانگین	۱۱	۱۱/۷	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷/۲	۱۷	۱۸/۱

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۸، از بین موانع ارزش‌شناسی اسطوره‌پنداری نوابغ بیشترین مانع و تأکید بر برطرف کردن موانع به جای پرش از موانع، کمترین مانع به شمار می‌رود.

جدول شماره ۹: تحلیل موانع ارزش‌شناسی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی با استفاده از آزمون t یک‌طرفه

میانگین نظری = ۲/۵				
شاخص متغیر	میانگین مشاهده‌شده	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری sig
موانع ارزش‌شناسی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	۲/۶۱	۰/۳۶	۳/۰۴	۰/۰۰۳

با توجه به داده‌های جدول شماره ۹ چون میانگین مشاهده‌شده یعنی ۲/۶۱ از میانگین نظری یعنی ۲/۵ بزرگ‌تر است؛ به علاوه چون t محاسبه‌شده (۳/۰۴) از t بحرانی ($p < ۰/۰۵$) یعنی (۱/۶۷) بزرگ‌تر است بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت موانع ارزش‌شناسی تا اندازه‌زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

موانع روش‌شناختی

جدول شماره ۱۰: توصیف موانع روش‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی

پرسش	خیلی زیاد		کم		زیاد		خیلی کم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بنیادگرایی در علوم انسانی	۷	۷/۴	۲۱	۲۲/۳	۴۵	۴۷/۹	۲۱	۲۲/۳
ضعف جرئت‌ورزی و ریسک‌پذیری در خلق ایده‌ها	-	-	۳	۳/۲	۵۹	۶۲/۸	۳۲	۳۴
کمی‌گرایی در پژوهش‌های علوم انسانی	۴	۳/۴	۱۶	۱۷	۶۱	۶۴/۹	۱۳	۱۳/۸

بی‌توجهی به کیفی‌گرایی در پژوهش‌های علوم انسانی	۲۴	۲۵/۵	۶۶	۷۰/۲	۴	۴/۳	-	-
مسئله‌نگری در پژوهش‌های علوم انسانی	۲۳	۲۴/۵	۶۹	۷۳/۴	۲	۲/۱	-	-
مسئله‌گریزی در پژوهش‌های علوم انسانی	۲	۱/۲	۱۳	۱۳/۸	۴۳	۴۵/۷	۳۶	۳۸/۳
بی‌توجهی به انعطاف‌پذیری روش‌های پژوهش در علوم انسانی	۱۴	۱۴/۹	۶۳	۶۷	۱۷	۱۸/۱	-	-
قطعیت‌گرایی در مسائل علوم انسانی	۷	۷/۴	۱۱	۱۱/۷	۴۸	۵۱/۱	۲۸	۲۹/۸
نتیجه‌گرایی در فعالیت‌های علوم انسانی	۷	۷/۴	۲۴	۲۵/۵	۵۰	۵۳/۲	۱۳	۱۳/۸
میانگین	۸۸		۲۸۶		۳۲۹		۱۴۳	
	۱۰	۱۰/۶	۳۲	۳۴	۳۶	۳۸/۳	۱۶	۱۷

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۰، از بین موانع روش‌شناختی قطعیت‌گرایی در مسائل علوم انسانی، بیشترین مانع و مسأله‌گریزی در پژوهش‌های علوم انسانی، کمترین مانع به‌شمار می‌رود.

جدول شماره ۱۱: تحلیل موانع روش‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی با استفاده از آزمون t یک‌طرفه

میانگین نظری = ۲/۵					
شاخص	متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری sig
	موانع روش‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	۲/۶۲	۰/۳۳	۳/۵۳	۰/۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱۱ چون میانگین مشاهده شده یعنی ۲/۶۲ از میانگین نظری یعنی ۲/۵ بیشتر است؛ به علاوه چون t محاسبه شده (۳/۵۳) از t بحرانی ($p < ۰/۰۵$) یعنی (۱/۶۷) بزرگ‌تر است بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت موانع روش‌شناختی تا اندازه‌ی زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

موانع معرفت‌شناختی

جدول شماره ۱۲: توصیف موانع معرفت‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی
از دیدگاه اعضای هیئت علمی

پرسش	خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دایرةالمعارف‌گرایی در علوم انسانی	۴	۴/۳	۲۲	۲۳/۴	۵۴	۵۷/۴	۱۴	۱۴/۹
استانداردگرایی در علوم انسانی	۱۵	۱۶	۴۳	۴۵/۷	۳۴	۶۲/۲	۲	۲/۱
ماهیت مسائل علوم انسانی	۱۰	۱۰/۶	۲۶	۲۷/۷	۴۵	۴۷/۹	۱۳	۱۳/۸
تمسک به کثرت‌گرایی در مباحث علوم انسانی	۷	۷/۴	۴۱	۴۳/۶	۳۶	۳۸/۳	۱۰	۱۰/۶
بومی و زمینه‌ای بودن مسائل علوم انسانی	۹	۹/۶	۴۷	۵۰	۳۱	۳۳	۷	۷/۴
مقایسه علوم انسانی با علوم پایه	۶	۶/۴	۱۶	۱۷	۴۳	۴۵/۷	۲۹	۳۰/۹
میانگین	۸	۸/۵	۳۳	۳۵/۱	۴۱	۴۳/۶	۱۲	۱۲/۸

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۲، از بین موانع معرفت‌شناختی مقایسه علوم انسانی با علوم پایه و استانداردگرایی بیشترین مانع، و بی‌توجهی به منابع چندگانه کمترین مانع به‌شمار می‌رود.

جدول شماره ۱۳: تحلیل موانع معرفت‌شناختی مانع نظریه‌پردازی
در حوزه علوم انسانی با استفاده از آزمون t یک‌طرفه

میانگین نظری = ۲/۵				
شاخص	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری sig
موانع معرفت‌شناختی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی	۲/۶۰	۰/۳۷	۲/۷۴	۰/۰۰۷

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱۳ چون میانگین مشاهده شده یعنی ۲/۶۰ از میانگین نظری یعنی ۲/۵ بیشتر است؛ به علاوه چون t محاسبه شده (۲/۷۴) از t بحرانی

($p < 0/05$) یعنی ($1/67$) بزرگ‌تر است، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت موانع معرفت‌شناختی تا اندازه‌ی زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

جدول شماره ۱۴: مقایسه دیدگاه اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی

شاخص / متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	تفاوت میانگین‌ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
موانع نظریه‌پردازی	مرد	۷۷	۲/۸۳	۰/۰۰۶۷	-۰/۱۰۹	۹۲	۰/۹۱۳
	زن	۱۷	۲/۸۴				

با توجه اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۴ چون t محاسبه‌شده یعنی ۰/۱۰۹ از t بحرانی با درجه آزادی ۹۲ یعنی $1/67$ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کوچک‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوتی وجود ندارد؛ بنابراین بین دیدگاه اعضای هیئت علمی زن و مرد در مورد موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۱۵: مقایسه دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

شاخص / متغیر	دانشکده	تعداد	میانگین	تفاوت میانگین‌ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
موانع نظریه‌پردازی	ادبیات	۷۴	۲/۸	۰/۱۵۶	۲/۷۸	۹۲	۰/۰۰۶
	اقتصاد	۲۰	۲/۹۶				

با توجه اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۵ چون t محاسبه‌شده یعنی ۲/۷۸ از t بحرانی با درجه آزادی ۹۲ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی در زمینه موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که موانع فردی تا اندازه‌ی زیادی در نظریه‌پردازی تأثیر دارند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پورعزت (۱۳۸۸) که دریافت موانع انگیزشی فردی در فرایند نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تأثیرگذار هستند؛ به‌روان (۱۳۷۵) که نشان داد رغبت اعضای هیئت علمی در نظریه‌پردازی مؤثرند، فیست (۲۰۰۶) که به این نتیجه رسید که نظریه‌پردازان از لحاظ ویژگی‌های شناختی: باز، انعطاف‌پذیر؛ از لحاظ انگیزشی: پارانگیزه؛ از لحاظ: احساسی، دارای حس زیبایی‌شناسانه، کنجکاو و دارای تخیل قوی هستند؛ تا حدی همخوان است. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که موانع اجتماعی تا اندازه‌ی زیادی در نظریه‌پردازی تأثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پورعزت (۱۳۸۸) که نشان داد موانع فرهنگی در فرایند نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی مانع هستند؛ رحیمی عباسی (۱۳۸۷) که دریافت نبود اجتماع علمی قوی، و نبود رابطه‌ی پویا بین جامعه و جامعه‌شناسی از موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی هستند؛ پاک‌سرشت (۱۳۸۶) که دریافت وجود شکاف بین عرضه و تقاضا در نظام تربیتی ایران، فقدان گردهمایی‌های سالانه به منظور رفع مشکلات نظام آموزشی ایران؛ مهم‌ترین چالش‌ها و موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی ایران هستند؛ قاضی‌پور (۱۳۸۱) که نشان داد میزان ارتباطات اعضای هر دو جامعه دانشگاهی و پژوهشی بر میزان تولید علمی آنها بیشترین تأثیر را دارد؛ محمدی (۱۳۷۴) که دریافت نوع و میزان ارتباطات علمی اعضای هیئت علمی بر فعالیت علمی آنها تأثیرگذار است؛ العطاس (۲۰۰۶) که نتیجه پژوهش او وابستگی دانشگاهی و محیط فرهنگی حاکم بر گفتمان پژوهشگران را مهم‌ترین مانع نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی قلمداد می‌نمود، و سیمونتون (۱۹۹۹) که دریافت جنگ و خیزش‌های سیاسی یا ثبات سیاسی، می‌توانند خروجی علم را تحت تأثیر قرار دهند، تا حدی همخوان است. هم‌چنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که موانع ارزش‌شناسی تا اندازه‌ی زیادی در نظریه‌پردازی تأثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های رحیمی عباسی (۱۳۸۷) که دریافت گذشته‌گرایی استاتیک از موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی است؛ پاک‌سرشت (۱۳۸۶) که نشان داد تعصب و عدم نظرخواهی از صاحبان اندیشه مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شود؛ موسوی (۱۳۸۲) که دریافت گرایش‌های ایدئولوژیک علوم اجتماعی از موانع نظریه‌پردازی است؛ سیمونتون (۱۹۹۹) که نشان داد موانعی همچون اساتید و الگوها، می‌توانند خروجی علم را تحت تأثیر قرار دهند؛ تا اندازه‌ای همخوان است.

به‌علاوه نتایج پژوهش، حاکی از آن است که موانع روش‌شناختی تا اندازه‌ی زیادی در نظریه‌پردازی تأثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دانایی‌فرد (۱۳۸۸) که دریافت مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی موانع روش‌شناسی است، و موسوی (۱۳۸۲) که نشان داد نبود اتفاق نظر در مورد مبانی روش‌شناختی از موانع توسعه علوم اجتماعی قلمداد می‌شوند؛ تا حدی همخوان است.

یافته‌های پژوهش هم‌چنین حاکی از آن است که موانع معرفت‌شناختی تا اندازه‌ی زیادی در نظریه‌پردازی تأثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پورعزت (۱۳۸۸) که دریافت بی‌توجهی به فراگرد طبیعی نظریه‌پردازی یکی از دلایل اصلی رکود سیر نظریه‌پردازی در قلمرو علوم انسانی است؛ موسوی (۱۳۸۲) که نشان داد ابزارگرایی در روش از موانع توسعه علوم اجتماعی قلمداد می‌شود؛ پرایس (۲۰۰۴) که دریافت مجهز بودن به استراتژی‌های گوناگون در قلمرو معرفت‌شناسی در نظریه‌پردازی تأثیر دارند تا حدی همخوان است. هم‌چنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی زن و مرد مشابه است. نتایج این پژوهش با پژوهش شدیش (۲۰۰۷) که نشان داد به‌طور کلی ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان دانشمند، مشابهت‌های چشم‌گیری دارد؛ تا حدی همخوان است. علاوه بر این یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی در زمینه موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد علت تفاوت دیدگاه‌ها ناشی از تفاوت در ماهیت رشته‌های علوم انسانی دایر در این دو دانشکده است. با توجه به موارد مطرح‌شده می‌توان گفت موانع متعددی شامل موانع فردی، اجتماعی، ارزش‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی بر سر راه نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی وجود دارد. با توجه به نتایج این پژوهش برای ترغیب نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی و برطرف کردن موانع نظریه‌پردازی، پیش از هر چیز باید نسبت به ماهیت علوم انسانی و مسائل این حوزه فهم دقیقی صورت گیرد و نسبت به مفاهیم علوم انسانی بینش عمیق کسب شود و از هرگونه ساده‌انگاری و سطحی‌اندیشی و سلیقه‌ورزی پرهیز شود.

به‌طور کلی باید در بُعد فردی با پرورش صفاتی چون ریسک‌پذیری، انتقادگری و انتقادپذیری، شجاعت و انعطاف‌پذیری، پرهیز از تعصب و جزم‌اندیشی، در بُعد اجتماعی با تکریم نظریه‌پردازان، اهتمام به کار گروهی، افزایش تقاضامندی برای علم،

ترویج و ترغیب اندیشه‌ورزی، تدارک سیاست‌های تشویقی مناسب، فراهم ساختن بستر گفتمان‌های اجتماعی و علمی مناسب، احترام به تضاد علایق، در بُعد معرفت‌شناسی با شناخت دقیق منابع کسب دانش در حوزه علوم انسانی و بررسی و جست‌وجوی تحلیلی منابع مختلف و پرهیز از استاندارددگرایی و در بُعد روش‌شناختی با تمسک به روش‌های کیفی و پرهیز از قطعیت‌گرایی و عینیت‌گرایی، بستر و زمینه رویارویی سازنده با موانع نظریه‌پردازی را فراهم و باب نظریه‌ورزی و نظریه‌پردازی را بیش از پیش گشود. هم‌چنین شایسته است در این زمینه به سایر موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از قبیل موانع سیاسی و فرهنگی نیز توجه شود. هم‌چنین باید موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه نظریه‌پردازان این حوزه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱): *زمینه‌سازی برای پیشرفت علم و فناوری و آثار آن در توسعه اجتماعی - اقتصادی*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹): «موانع نظریه‌پردازی در علوم انسانی»، *همایش موانع و فرایند نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰): *استقلال دانشگاه*، تهران: دانشگاه تهران، در حال چاپ.
- بهروان (۱۳۷۵): *بررسی موانع مؤثر بر انگیزه و توان تحقیق اعضای هیئت علمی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فردوسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- پاک‌سرشت، محمد (۱۳۸۶): «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۶، ش ۲۰، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- پورعزت، رضا و دیگران (۱۳۸۸): «بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی»، *نشریه مدیریت بازرگانی*، دوره ۱، س ۱، ش ۲، صص ۴۷-۶۲.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸): «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، س ۲، ش ۱، صص ۱-۱۷.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۹): *نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها*، تهران: انتشارات سمت.

- رحیمی عباسی، مریم (۱۳۸۷)؛ «جامعه‌شناختی فقر؛ نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهراء.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۸۶)؛ *همایش علوم انسانی و چالش اشتغال*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- رفیع، فلاح (۱۳۸۸)؛ *نظریه‌پردازی و تولید علم؛ موانع و راهکارها*، مصاحبه قابل دسترسی در سایت www.hamandishi.net
- زیباکلام، سعید (۱۳۸۷)؛ «نظریه‌پردازی در ایران»، *مصاحبه با دوماهنامه جشنواره بین‌المللی خوارزمی*، ش ۳.
- قاضی‌پور، فریده، محمدمین قانع‌راد (۱۳۸۱)؛ «بررسی موانع هنجاری و سازمانی مؤثر بر میزان تولید علمی اعضای هیئت علمی جامعه دانشگاهی و پژوهشی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی نامه پژوهش فرهنگی*، ش ۴، صص ۲۰-۱۶۷.
- گونگ، جرال‌دال (۱۳۸۹)؛ *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*، ترجمه م. پاک‌سرشت، تهران: سمت، (تاریخ انتشار متن اصلی ۱۹۳۵).
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۳)؛ «جایگاه نظریه‌پردازی در پژوهش‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی در ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۶، ش ۱۰، صص ۶-۱۲.
- محمدی، اکرم (۱۳۸۴)؛ «بررسی اثر موانع سازمانی و فردی بر فعالیت‌های علمی در ایران»، *پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس*، رشته علوم اجتماعی.
- موسوی، سیدیعقوب (۱۳۸۲)؛ «الگوهای معرفتی - اجتماعی توسعه موانع توسعه علوم اجتماعی»، *فصلنامه علوم انسانی*، س ۱۲ و ۱۳، ش ۴۴ و ۴۵، صص ۲۳۱-۲۶۰.
- هاشمی‌مقدم، سیدشمس‌الدین (۱۳۸۴)؛ *بررسی کاربرد الگوی برنامه‌دستی تلفیقی در سازماندهی مواد درسی رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان مرکزی*، دانشگاه اراک.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۸)؛ *خلاقیت و نظریه‌پردازی*، قابل دسترسی در سایت www.rasekhoon.net
- یوسف‌زاده، محمدرضا و یحیی معروفی (۱۳۸۹)؛ *تربیت انتقادی*، همدان: انتشارات سپهر دانش.
- Alatas, S.F (2006); *Alternative Discourses Formulations in Southeast Aisa, Engelwood climation system reasearchffs*, Prentice Hall 19, PP 67-79.
- Beauchamp, J.A (1981); *curriculum thorey*, karg: Pres.
- Feist, G. J (2006); "How Developent and Personality Influense Scintific Thought", *Interest and Achievenment, Review of General Psychology*, Vol 10, No 2, PP 163-182.
- Shadish, W. R (2007); *Character study of male and female scientists*, cambridge: Cambridge university press.
- Price, j. (2004); "actual position of strategy of theory making through colombia university faculty members", *Academy of ManagementReview*, Vol. 14, PP 562-578.
- Reynolds, P.D. (1971); *A primer in theory construction*, Indianapolis: Bobbs Merrill company.
- Simonton, D. K (1999); *Scientific Genius: A psychology of science*, cambr Idge: Cambridge university press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی